همانا این چهارپایان [اهلی] نیز گاهی مانند حیوانات وحشی، رم می‌کنند. پس هر کدام از آنها که بر شما چیره شد [و رمید]، با آن چنین کنید

از رافع بن خَدیج رضی‌الله‌عنه روایت است که گفت: ما همراه با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم در ذوالحلیفه بودیم که مردم دچار گرسنگی شدند. پس شتران و گوسفندانی [به عنوان غنیمت] به دست آوردند. [راوی] گفت: و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم در انتهای گروه [در حرکت] بودند. پس [مردم] شتاب کردند و [حیوانات را] ذبح نمودند و دیگ‌ها را برپا کردند. پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم دستور دادند دیگ‌ها واژگون کرده شوند. سپس [غنایم را] تقسیم کردند و ده گوسفند را معادل یک شتر قرار دادند. پس شتری از میان آنها رمید. به دنبالش رفتند اما آنان را خسته کرد [و نتوانستند بگیرندش]. و در میان گروه، اسبان اندکی بود. پس مردی از آنان تیری به سویش رها کرد و خداوند آن [شتر] را متوقف ساخت. سپس [پیامبر] فرمودند: «إِنَّ لِهَذِهِ الْبَهَائِمِ أَوَابِدَ كَأَوَابِدِ الْوَحْشِ، فَمَا غَلَبَكُمْ مِنْهَا فَاصْنَعُوا بِهِ هَكَذَا» یعنی: «همانا این چهارپایان [اهلی] نیز گاهی مانند حیوانات وحشی، رم می‌کنند. پس هر کدام از آنها که بر شما چیره شد [و رمید]، با آن چنین کنید». [رافع] گفت: من گفتم: ما امیدواریم - یا می‌ترسیم - که فردا با دشمن روبرو شویم و کاردی همراه نداریم، آیا با [چوب] نی ذبح کنیم؟ فرمودند: «مَا أَنْهَرَ الدَّمَ، وَذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكُلُوهُ، لَيْسَ السِّنَّ وَالظُّفُرَ، وَسَأُحَدِّثُكُمْ عَنْ ذَلِكَ: أَمَّا السِّنُّ فَعَظْمٌ، وَأَمَّا الظُّفُرُ فَمُدَى الْحَبَشَةِ» یعنی: «هر آنچه خون را جاری کند و نام الله بر آن ذکر شود، از آن بخورید، به جز دندان و ناخن. و به زودی شما را از [علت] آن آگاه خواهم کرد: اما دندان، استخوان است، و اما ناخن، کاردِ حبشیان است».

[صحیح است] [بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند]

رافع بن خدیج رضی الله عنه خبر داده است که آنان همراه با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم در ذوالحلیفه بودند که مردم دچار گرسنگی شدند و از مشرکان شتران و گوسفندانی به غنیمت گرفته بودند. پس قبل از آنکه غنیمت تقسیم شود، شتاب کرده و از آنها ذبح کردند و دیگ‌ها را برپا نمودند، بدون آنکه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم اجازه بگیرند. و ایشان صلی‌الله‌علیه‌وسلم در انتهای [قافلهٔ] مردم حرکت می‌کردند. پس هنگامی که [از این ماجرا] آگاه شدند، دستور به [واژگون کردن] دیگ‌ها دادند و دیگ‌ها با آنچه از آبگوشت در آنها بود، واژگون کرده شد. سپس ایشان غنیمت را میانشان تقسیم کردند و ده گوسفند را در مقابل یک شتر قرار دادند. پس شتری از میان آنها گریخت و آنان از رسیدن و گرفتن آن عاجز شدند و اسبان [نیز] اندک بود. پس مردی از آنان تیری به سویش انداخت و خداوند آن را برایشان متوقف ساخت. پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: این چهارپایان اهلی، طبایعی مانند طبایع حیوانات وحشی دارند. پس هر کدام از آنها که بر شما چیره شد [و رمید] و از گرفتن آن عاجز شدید، با آن چنین کنید. پس رافع گفت: ما امید داریم که فردا با دشمن روبرو شویم و می‌ترسیم که ذبح کردن با لبهٔ سلاح‌هایمان به آنها آسیب رساند درحالی‌که نیاز شدیدی به ذبح کردن داریم و کاردی همراه نداریم. آیا با چوب‌های توخالیِ نی ذبح کنیم؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هر آنچه خون را جاری کند و به کثرت بریزد و نام خدا بر آن ذکر شود، از آن بخورید، غیر از دندان و ناخن. و به زودی شما را از [علت] آن آگاه خواهم کرد: اما دندان، استخوان است، و اما ناخن، [چون] کفار حبشه از آن [به عنوان کارد] استفاده می‌کنند.